منشأ اختلاف اشیاء و عدل الهی ـ محمد بیابانی اسکویی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال سیزدهم، شماره ۵۰ «ویژه عدل الهی»، بهار ۱۳۹۵، ص ۷۸ـ۱۰۰

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.50.4.1]

منشأ اختلاف اشیاء و عدل الهی

محمد بیابانی اسکویی*

چکیده: نگارنده، عدل الهی را بر اساس لغت و حدیث معنا می‌کند، راه شناخت جایگاه اشیاء را بر اساس روایات نشان می‌دهد، آنگاه امتحان و تکلیف و استدراج را به عنوان سه عامل مهم اختلاف اشیاء بر می‌شمارد، بر امتحان و تکلیف پیشین و عرضه ولایت به عنوان عامل اختلاف در دنیا تأکید می‌ورزد؛ آنگاه "ماء" را به عنوان جوهر اصل همه مخلوقات می‌شناساند و مهمترین عامل تعیین کننده تفاوتها را مشیت و تقدیر الهی می‌داند.

کلیدواژه‌ها: اختلاف اشیاء؛ امتحان؛ تکلیف؛ استدراج؛ عرضهٔ ولایت؛ ماء؛ مشیت الهی؛ تقدیر الهی.

---

*. پژوهشگر و مدرس حوزه علمیه قم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.50.4.1]

۱. معنای عدل الهی و حقیقت آن

در کتابهای لغت برای عدل معناهای متعددی ذکر شده است که می‌توان گفت جامع همه آنها قرار دادن هر چیزی در موضع (یعنی جایگاه، شأن، موقعیت و مقام) آن می‌باشد. از جمله معناهایی که ذکر شده است: برقراری تساوی بین دو شی، انصاف، حکم به حق و نقیض ظلم و جور. (نک: کتاب العین، ج ۲، ص ۳۸؛ صحاح اللغة، ج ۵، ص ۱۷۶۱؛ المصباح المنیر، ص ۳۹۶؛ النهایة، ج ۳، ص ۱۶۱؛ لسان العرب، ج ۱۲، ص ۳۷۳)

عدل در روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام به جهات مختلفی مورد استفاده قرار گرفته است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در توصیف خدای تعالی به عدل می‌فرماید:

العدل الّذی لا یجور (کافی، ج ۸، ص ۱۰۵؛ بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۶۸)

او عادلی است که ستم نمی‌کند.

و نیز می‌فرماید:

العدل یضع الأمور مواضعها

عدل امور را در جایگاه خود می‌نهد.

امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه (**لا ینال عهدی الظالمین**) (بقره (۲) / ۱۲۴) می‌فرماید:

عنی به الامامة لا تصل لمن قد عبد صنماً أو وثناً أو أشرك بالله طرفة عین و إن أسلم بعد ذلك. و الظلم وضع الشیء فی غیر موضعه. (الخصال، ج ۲، ص ۳۱۰؛ معانی الأخبار، ص ۱۳۱؛ بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۰۰)

مقصود خدای تعالی آن است که آن کس که بت‌پرستی کرده یا به اندازه چشم به هم زدن به خدا شرک ورزیده است، صلاحیت مقام امامت را ندارد، اگرچه بعد از آن ایمان آورده باشد. و ظلم، قرار دادن هر چیز در غیر جایگاهش است.

عدل در کلام امیرالمؤمنین علیه‌السلام به معنای وضع هر چیزی در موضع و جایگاهش مطرح گردید و در سخن امام صادق علیه‌السلام ظلم - که متقابل با عدل

است – به معنای قرار دادن هر چیزی در غیر موضعش معنا شد. پس وقتی از خدای تعالی ظلم نفی می‌شود، یعنی خدای تعالی هیچ چیزی را در غیر موضعش قرار نمی‌دهد. در قرآن کریم نیز ظلم به همین معنا به کار رفته است. خدای تعالی می‌فرماید:

(کلتا الجنتین آتت أکلها و لم تظلم منه شیئاً) (انعام (۵) / ۱۶۰)

هر دو باغ ثمر خود را آورده‌اند و چیزی از آن کم نگذاشته‌اند.

شیخ طوسی در تفسیر آیه می‌نویسد:

اصل الظلم انتقاص الحقّ لقوله تعالی: لم تظلم منه شیئاً. أی لم تنقص. و قیل أصله وضع الشیء فی غیر موضعه. و کلاهما مطّرد. (التبیان، ج ۱، ص ۱۵۸)

ظلم در اصل به معنای کوتاهی کردن از حق است، به دلیل سخن خدا که می‌فرماید: «... و چیزی از آن کم نگذاشتند» یعنی کوتاهی نکرده‌اند. و گفته شده است که ظلم در اصل به معنای وضع شیء در غیر موضعش است و هر دو شایع است.

۲. عدل الهی و راه شناخت جایگاه اشیاء

سخن از جایگاه اشیاء در جایی است که اشیاء شکل گرفته باشند. در این صورت عدل در جایی معنا خواهد داشت که اشیایی به وجود آمده‌اند که هر کدام شأن و جایگاهی دارند و رعایت شأن و جایگاه آنها عدل است. در اینجا مسئله‌ای پدید می‌آید: شئون و جایگاههای اشیاء چگونه پدید آمده است؟ و راه شناخت آنها چیست؟

پاسخ سؤال اوّل از منظر معارف الهی این است که شکل‌گیری جایگاهها، تنها در سایه نظام تشریع و با اراده و اختیار و امتحان پدید می‌آید. راه تشخیص آن نیز با توجه به عقل و خرد انسانی است که حجّت باطنی خدا محسوب می‌شود.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.50.4.1]

خدای تعالی در قرآن کریم به همین نکته توجه داده است.

در آیات زیادی خدای تعالی از عدم تساوی برخی گروهها با برخی دیگر سخن گفته است. به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود.

لایستوی القاعدون من المؤمنین غیر أولی الضرر والمجاهدون فی سبیل الله بأموالهم و أنفسهم فضّل الله المجاهدین بأموالهم و انفسهم علی القاعدین درجة و کلاً وعدالله الحسنی و فضّل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً درجات منه و مغفرة و رحمة و کان الله غفوراً رحیماً. (نساء (۴) / ۹۵ و ۹۶)

مؤمنانی که بدون هیچ ضرری خانه‌نشینی بر می‌گزینند، با مجاهدان در راه خدا به مال و جانشان مساوی نیستند. خداوند، مجاهدان با مال و جان خود را بر خانه‌نشینان به درجه‌ای برتری داده است. و همه را خدا پاداش نکو وعده داده است. و خداوند مجاهدان را بر خانه‌نشینان با پاداش بزرگ برتری داده است: درجاتی از سوی خدا و آمرزش و رحمتی، و خداوند، آمرزنده و مهربان است.

در آیه دیگر می‌فرماید:

قل لا یستوی الخبیث و الطیّب و لو أعجبک کثرة الخبیث. (مائده (۵) / ۱۰۰)

بگو: ناپاک و پاکیزه یکسان نیست، اگرچه کثرت ناپاکان تو را شگفت زده کند.

نیز می‌فرماید:

أفمن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً لایستوون.

آیا مؤمن مانند فاسق است؟ آنها یکسان نیستند.

در آیه دیگری آمده است:

أم حسب الذین اجترحوا السیئات أن نجعلهم کالذین آمنوا و عملوا الصالحات سواء محیاهم و مماتهم ساء ما یحکمون.

آیا کسانی که مرتکب بدیها می‌شوند، می‌پندارند که ما آنها را مانند

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.50.4.1]

مؤمنانی قرار می‌دهیم که اعمال صالح انجام می‌دهند و زندگانی و مرگشان یکی است؟ حکم بدی می‌کنند.

در این آیات، قرآن کریم به خردمندان یادآوری می‌کند که در حیات عقلانی بشری، این گروهها با هم مساوی نیستند و کسی که با آنها به صورت یکسان معامله کند، از حقیقت به دور گشته و بر خلاف خرد انسانی عمل کرده است.

پس بر اساس حکم صریح خرد انسانی ـ که حجت الهی است ـ و با توجه به یادآوری خدای تعالی، فهمیده می‌شود یکی از مهم‌ترین عوامل پیدایش اختلاف در موجودات و به ویژه در انسانها، اختلاف آنها در عمل به فرامین و شرایع الهی است. این اختلاف را تنها در جایی می‌توان تصویر کرد که شرایط عمل و اطاعت و عصیان برای همه مساوی باشد. و اگر شرایط عمل متفاوت باشد، باید این تفاوت در سنجش اعمال مورد توجه قرار بگیرد. پس آنجا که به حکم عقل، گناهکار با اطاعت‌پیشه یکی نیست، با توجه به آن است که گناهکار هم مانند مطیع می‌توانست اطاعت پیشه کند.

بدین جهت، در نظام تشریع الهی، عامل اصلی اختلاف، کردار خود دینداران است و خود انسان مهم‌ترین تشخیص دهنده بین خوب و بد و زشت و زیبا، و عامل اساسی و ریشه‌ایِ تفاوت آنهاست.

۳. امتحان و تکلیف و استدراج، سه عامل مهم اختلاف اشیاء

وجود اختلاف میان انسانها در اعمال و کردارشان چگونه موجب اختلاف در شرایط زندگی آنها در دنیا می‌شود؟ آیا تکلیف موجودات تنها در این عالم شکل گرفته است؟ آیا اساس اختلاف در دینداری تنها در این عالم دنیا پدید آمده است یا خلقت اشیاء بر اساس امتحان و تکلیف شکل گرفته است؟

برای رسیدن به این پاسخ‌ها، با رجوع به آیات قرآن کریم می‌کوشیم سنّت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.50.4.1]

خدای تعالی را در این مسئله بررسی کنیم.

خدای تعالی می‌فرماید:

ولنبلونّکم بشیء من الخوف و الجوع ونقص فی الأموال و الأنفس و الثمرات، و بشّر الصابرین.

قطعا! شما را به عواملی مانند ناامنی و گرسنگی و نقصانی در اموال و جانها و میوه‌ها می‌آزماییم و به صبرپیشگان بشارت بده.

و لو أنّ اهل الکتاب آمنوا و اتقّوا لکفّرنا عنهم سیئاتهم و لأدخلناهم جنّات النعیم. ولو أنّهم أقاموا التوراة و الإنجیل وما أنزل الیهم من ربّهم لأکلوا من فوقهم و من تحت أرجلهم.

و اگر اهل کتاب ایمان آورند و تقوا پیشه کنند، از بدیهای آنها چشم می‌پوشیم و آنها را به باغهایی که نعمت الهی است وارد می‌کنیم. و اگر آنها تورات و انجیل را که از سوی پروردگارشان برایشان نازل شده، به پا دارند، به یقین از بالای سرشان و از زیر پاهایشان روزی می‌خورند.

ولو أنّ اهل القری آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکاتٍ من السماء و الارض و لکن کذّبوا فأخذناهم بما کانوا یکسبون.

و اگر اهل آبادیها ایمان آورند و تقوا پیشه کنند، برکتهایی از آسمان و زمین بر آنها می‌گشاییم. ولی آنها تکذیب کردند، پس ما هم به خاطر آنچه انجام می‌دادند هلاکشان کردیم.

ذلك بأنّ الله لم یك مغیّراً نعمةً أنعمها علی قوم حتّی یغیّروا ما بأنفسهم و إن الله سمیع علیم.

این بدان جهت است که خداوند هیچ نعمتی را که بر قومی عطا کرده است تغییر نمی‌دهد، مگر اینکه آنها به دست خودشان تغییر دهند. و خداوند شنوا و داناست.

و إلی عاد أخاهم هوداً قال... و یا قوم استغفروا ربّکم ثمّ توبوا الیه یرسل السماء علیکم مدراراً و یزدکم قوّة إلی قوّتکم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.50.4.1]

و به سوی قوم عاد، برادرشان هود را فرستادیم. گفت: ای قوم من از پروردگارتان طلب بخشش کنید، بعد به سوی او بازگردید، تا خداوند باران را همواره برای شما بفرستد و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید.

و ضرب الله مثلاً قرية كانت آمنة مطمئنة يأتيها رزقها رغداً من كلّ مكان فكفرت بأنعم الله فأذاقها الله لباس الجوع و الخوف بما كانوا يصنعون.

خداوند قریه‌ای را مثل می‌زند که اهل آن در امن و آرامش بودند، روزی آنها به فراوانی از هر جایی می‌رسید. آنها نعمتهای خدا را کفران کردند، پس خدا هم به خاطر عملشان، جامه گرسنگی و ناامنی بر تن آنان پوشاند.

در این آیات قرآن کریم و آیات فراوان دیگری نظیر همین آیات، خداوند متعال به سنّت خویش در خلق توجه داده و تأکید می‌کند که انسانها در دنیا محصول اعمال خویش را می‌خورند، خود آنها هستند که به دست خودشان نعمتهای خدا را تغییر می‌دهند و امنیت را تبدیل به ناامنی و اضطراب می‌کنند و حضور نعمت را تبدیل به تنگی و دشواری می‌کنند.

نکته دیگری که در این آیات بدان توجه می‌دهد، این است که خداوند متعال گاهی برای امتحان بندگانش، آنها را به ناامنی و گرسنگی و نقصانی در اموالشان می‌آزماید. البته امتحان ممکن است در امنیت و آرامش فراوانی نعمتها نیز باشد و انسان نه تنها به فقر و ناداری، بلکه به غنا و دارایی و صحت و سلامت و توانایی نیز امتحان می‌شود. بسا می‌شود که خدای تعالی از باب استدراج و امهال، توانایی و دارایی را از انسان نگیرد و با این کار، حجّت را به طور کامل بر او روشن کند و راه هرگونه بهانه را برای او ببندد.

پس هر اتفاق برای انسان می‌افتد، ممکن است برای امتحان یا استدراج و یا برای جزای کردار انسان باشد و راه تشخیص آن نیز به وجدان انسان است. انسان اگر وفور نعمت را دید و همراه آن حمد و سپاس خداوند و شکر و قدردانی را

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.50.4.1]

در خود دید، به یقین آن نعمت برای استدراج نخواهد بود. امّا اگر نقصی در اموال یا نفس خود دید و با وجود آن از توجه‌اش به خدای تعالی و بندگی‌اش نسبت به او هیچ تغییری در خود احساس نکرد، بداند که خداوند متعال به او لطف کرده و تکریمش نموده است. و اگر در نفس خود ناخشنودی یافت و در وفور نعمت، ناسپاسی را در دل خود دید، بداند که خداوند متعال برای او در این جهت لطف و احسانی نکرده است.

بدین روی، یکی از جهات و عوامل مهمّی که خدای تعالی بر اساس آن تغییراتی در خلق می‌دهد، افعال خود خلایق است. امّا روشن است که این امر هیچ الزامی در خصوص تغییرات نسبت به مشیت و اراده خدا ندارد و خداوند متعال بر اساس تقدیراتی که قرار داده است، طبق سنّت خویش با آنها برخورد می‌کند.

۴. تغییر انسان به بوزینه، به دلیل ارتکاب معاصی

قرآن کریم، تغییرات مهمی در نظام تکوین را در اثر نظام تشریع الهی به صراحت بیان می‌دارد. یکی از آنها تغییر و تبدیل گروهی از انسانها به بوزینه، به خاطر عصیان و نافرمانی آنان از خدای تعالی است. خدای تعالی در آیات متعدّد، این امر را بیان کرده و می‌فرماید:

وَ اسئلهم عن القریة الّتی کانت حاضرة البحر، إذ یعدون فی السبت إذ تأتیهم حیتانهم یوم سبتهم شرّعاً و یوم لا یسبتون لا تاتیهم، کذلك نبلوهم بما کانوا یفسقون... فلّما عتوا عمّا نهوا عنه قلنا لهم کونوا قردة خاسئین.

و از آنها بپرس درباره قریه‌ای که در کنار دریا قرار داشت که در روز شنبه از حدّ خود تجاوز می‌کردند؛ آنگاه که ماهی‌هایشان در روز شنبه بر روی آب ظاهر می‌شدند و روز دیگر ماهیان بر روی آب نمی‌آمدند. ما آنها را به خاطر فسقشان این چنین آزمودیم.... پس چون سرپیچی کردند از آنچه نهی شده

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.50.4.1]

بودند، به آنها گفتیم بوزینگانی پست باشید.

در آیه دیگر می‌فرماید:

قل هل أنبئکم بشرّ من ذلك مثوبة عندالله من لعنه الله و غضب علیه و جعل منهم القردة و الخنازیر.

بگو: آیا شما را از کسانی خبر کنم که سزایش نزد خدا بدتر از این است، کسی که خدا او را لعن کرده و بر او خشم گرفته و از آنها میمونها و خوکها پدید آورده است.

در این آیات، خدای تعالی از اشخاصی حکایت می‌کند که به خاطر کردارشان خدای تعالی آنها را به صورت بوزینگان و خوکها درآورده است. این کار را خدای تعالی انجام داده و از آن گزارش می‌دهد. البته این امر در بنی‌اسرائیل روی داده است و خدای تعالی از آن خبر می‌دهد، امّا بشر از آن عبرت نگرفته و آن را در خاطره خود ثبت نکرده و اهمیتی بدان نداده است. در این گونه موارد تنها عامل کیفر، همان کردار انسانها است که خدای تعالی آنها را به این نوع بلا مبتلا می‌کند.

۵. امتحان و تکلیف پیشین عامل اختلاف در دنیا

دیدیم که طبق سنّت الهی در دنیا، اختلافات و تغییراتی که در انسان و نعمتهای الهی در این دنیا دیده می‌شود نتیجه تکالیف و اعمال انسانها است. بسا اوقات این اختلافها برای امتحان بشر است که آن نیز در سایه آزادی و تشریع و در ارتباط با عمل انسانی و اتمام حجت بر انسانها صورت می‌گیرد. این نکته خیلی از اختلافات نو پدید را می‌تواند موجّه نماید، امّا برخی از اختلافات که از همان اوّل ورود به دنیا انسان با آن مواجه است، با این بیان حل نمی‌شود.

این سؤال در صورتی مشکل ایجاد می‌کند که آغاز پیدایش انسان را همین دنیا

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.50.4.1]

بدانیم. امّا انسان پیش از دنیا عوالمی را گذرانده؛ و در آن عوالم، از عقل و خرد و آزادی و استطاعت بهره برده و از سوی خدای تعالی به تکالیفی، مکلف شده است. در آنجا نیز در عمل با هم اختلاف پیدا کرده‌اند و در نتیجه براساس اعمال خویش در امتیازاتی که به دست آورده‌اند، میان آنها اختلاف پدید آمده است.

آنچه درباره انسان گفته شد، در باره موجودات دیگر نیز به صورت دیگری وجود دارد که براساس نحوه اعمالشان پدید آمده است.

۶. عرضه ولایت عامل اختلاف موجودات

در روایات زیادی آمده است که خدای تعالی ولایت ائمه‌علیهم‌السلام را بر موجودات عرضه داشت و یک گروه از اختلافات در نتیجه تفاوت در میزان قبول ولایت به وجود آمد. از امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام نقل شده است که فرمود:

إن الله عز و جلّ عرض أمانتی علی الأرضین؛ فکّل بُقعة آمنت بولایتی، جعلها طیبّة زکیة و جعل نباتها و ثمرتها حلواً عذباً و جعل ماءها زلالاً. و کلّ بقعة جحدت امامتی و أنکرت ولایتی، جعلها سنجاً و جعل نباتها مرّاً علقماً، و جعل ثمرها العوسج و الحنظل و جعل ماءها ملحاً أجاجاً.

خدای تعالی امانت مرا بر زمینها عرضه داشت. پس هر جایی به ولایت من ایمان آورد، خدای تعالی آن را نیکو و پاکیزه کرد و گیاهان و میوه‌های آن را شیرین و گوارا قرار داد و آب آن را زلال کرد. امّا هر مکانی که امامت مرا منکر شد و ولایتم را ردّ کرد، خداوند آن را شوره‌زار کرد و گیاهان آن را تلخ و تند قرار داد و میوه‌های آن را خاردار و تلخ کرد و آب آن را شور و تلخ کرد.

در حدیث مفصلی از امام رضاعلیه‌السلام نقل شده است که خداوند متعال ولایت را بر آسمانها و سپس به کوهها عرضه داشت. بعد می‌فرماید: در روز غدیر بر گیاهان عرضه کرد. هر گیاهی که آن را پذیرفت، شیرین و نیکو شد و آنچه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.50.4.1]

نپذیرفت تلخ گردید. سپس بر پرندگان عرضه داشت. پرنده‌ای که پذیرفت آوازخوان و فصیح شد و آنچه انکار کرد، لال و دارای لکنت گردید.

در برخی روایات، اسامی پرندگان و درختان و زمینهایی که ولایت را پذیرفته‌اند یاد شده است.

در حدیث دیگری به صورت مطلق از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است:

مامن شیء و لا من آدمیّ و لا انسیّ و لا ملك فی السماء و الأرض، إلّا و نحن الحجج علیهم. و ما خلق الله خلقاً إلا و قد عرض ولایتنا علیه و احتجّ بنا علیه؛ فمؤمن بنا و کافر جاحد حتی السماوات و الأرض و الجبال.

هیچ موجودی اعم از آدم و انسان و جن و فرشته در آسمان و زمین نیست جز اینکه ما حجّت بر آنها هستیم. و خداوند هیچ آفریده‌ای را نیافرید جز اینکه ولایت ما را بر آن عرضه داشت و به ما حجّت را بر آن تمام کرد؛ برخی به ما ایمان آوردند و برخی دیگر انکار کردند، حتی آسمانها و زمین و کوه‌ها.

این احادیث می‌رساند که هر موجودی که ولایت را پذیرفته، امتیازاتی یافته است. یکی از امتیازاتی که از همان اول شکل‌گیری خلقت در موجودات پدید آمده است، تقسیم حقیقت و اصل جوهر وجودی آنهاست به علیین و سجین یا طیّب و خبیث. احادیث به این امر نیز به روشنی دلالت دارند که در بحث بعدی به آن اشاره خواهیم کرد.

۷. آب، جوهر اصلی همه مخلوقات

خدای تعالی در قرآن کریم به صراحت از این جوهر یاد کرده و می‌فرماید:

و جعلنا من الماء کلّ شیء حی.

و از آب همه موجودات زنده را آفریدیم.

این آیه دلالت دارد که هر چیزی که از حیات بهره‌مند است از آب خلق شده

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.50.4.1]

است . در این آیه "حیّ" به عنوان صفت برای "شیء" قرار گرفته است. امّا اگر "حیّاً" بود، معنای آیه این گونه می‌شد: ما حیات هر چیزی را از آب قرار دادیم. اگر آیه به صورت دوم بود، دلالت می‌کرد که خدای تعالی اشیاء را خلق کرده است و برای آنها با آب، حیات داده است. امّا بر اساس آیه، خدای تعالی اشیای حیات‌دار را از آب آفریده است. به همین جهت در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام تأکید شده است که مخلوق، آب است و همه مخلوقات از آن آفریده شده‌اند. محمد بن عطیّه نقل می‌کند که فردی از علمای شام خدمت امام باقر علیه‌السلام آمد و گفت:

من برای حلّ مسئله‌ای آمده‌ام که حلّ آن برایم خیلی دشوار شده است و کسی را پیدا نکرده‌ام که آن را برایم تفسیر کند. آن را از سه صنف پرسیده‌ام که هر صنفی پاسخی غیر از صنف دیگر داده است.

امام باقر علیه‌السلام پرسید: این سؤال چیست؟

او گفت: من از شما در مورد نخستین چیزی که خدای تعالی آفرید، می‌پرسم. بعضی از آنها که من پرسیدم، گفتند: «قَدَر». بعضی دیگر گفتند: «قلم» و بعضی دیگر گفتند: «روح».

حضرت فرمود: چیزی (درست) نگفته‌اند. من به تو خبر می‌دهم که خدای تعالی بود و هیچ چیزی غیر از او نبود، و او عزیز بود و پیش عزّت او چیزی نبود. خدای تعالی به این اشاره کرده می‌فرماید: «منزّه است پروردگار تو خداوندگار عزّت، از آنچه توصیف می‌کنند»

خالق پیش از مخلوق بود. و اگر نخستین چیزی که خدا خلق می‌کرد از چیزی می‌آفرید، در این صورت هیچگاه انقطاعی پیدا نمی‌کرد و از ازل همواره با خدا چیزی بود و خدا بر او تقدّم نداشت. ولی خدا بود و چیزی غیر از او نبود. و چیزی را آفرید که همه اشیاء از آن است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.50.4.1]

و هو الماء الّذی خلق الاشیاء منه، فجعل نسب کلّ شیء إلی الماء، و لم یجعل للماء نسباً یضاف إلیه.

و آن آب است که همه اشیاء را از آن آفرید و نسب همه اشیا به آب است، در حالی که آب نسبی ندارد که به آن اضافه شود.

آب، نخستین مخلوقی است که خدای تعالی آفریده است و همه از آن خلق شده‌اند. هیچ موجودی را در هیچ عالمی نمی‌توان یافت جز اینکه ریشه و اصل آن آب است و از آن آفریده شده است، ولی آب از چیزی آفریده نشده است. بنابراین هر موجودی جزئی از آن آب است که به این صورت درآمده است. در حدیث دیگری از عبدالله بن سنان نقل شده است که می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام درباره نخستین مخلوق پرسیدم. آن حضرت فرمود:

إنّ أوّل ما خلق الله عزّ و جلّ ما خلق منه کلّ شیء.

قلت: جعلت فداك! و ماهو؟

قال:الماء. إنّ الله تبارک و تعالی خلق الماء بحرین: أحدهما عذب و الآخر ملح. فلمّا خلقهما نظر إلی العذب فقال: یا بحر، فقال: لبیك و سعدیك.

قال: فیك برکتی و رحمتی و منك أخلق أهل طاعتی و جنّتی.

ثمّ نظر إلی الآخر فقال: یا بحر! فلم یجب. فأعاد علیه ثلاث مرّات: یا بحر، فلم یجب. فقال: علیك لعنتی و منك اخلق أهل معصیتی و من أسکنته ناری.

نخستین چیزی که خدا آفرید، همان است که همه اشیا را از آن آفرید.

گفتم: آن چیست؟

فرمود: آب. خداوند متعال آب را دو دریا آفرید: یکی گوارا و دیگری شور. آنگاه که آنها را آفرید، به آب گوارا نگریست و فرمود: ای دریا.

گفت: آری گوش به فرمانم.

خداوند فرمود: برکت و رحمتم در تو است، و از تو اهل طاعت و بهشتم را خلق می‌کنم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.50.4.1]

سپس به آن دیگر نگریست و فرمود: ای دریا!

آن یک جوابی نداد. خدای تعالی سه بار امر به او را تکرار کرد و فرمود: ای دریا! و در هیچ کدام پاسخی نداد.

خداوند فرمود: بر تو باد لعنت من. و از تو خلق می‌کنم اهل معصیت را و کسانی را که در آتش جایشان دهم.

از این احادیث نیز استفاده می‌شود که خداوند متعال، همه خلق را از یک جوهر واحد آفریده، آن را دو قسمت کرده و در اثر آن خلایق را از آن دو ـ با تفاوتی که دارند ـ آفریده است. در برخی احادیث آمده است که آب، ابتدا گوارا و شیرین بوده است و تلخی و شوری بعد از تکلیف به آن عارض شده است.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

کان الله تبارک و تعالی کما وصف نفسه، و کان عرشه علی الماء، و الماء علی الهواء، و الهواء لایجری، و لم یکن غیر الماء خلق، و الماء یومئذٍ عذب فرات...

خدای تعالی همانگونه است که خود را وصف کرده است، عرش خدا بر آب بود، آب بر هوا بود، هوا جریان نداشت، غیر از آب خلقی نبود و در آن روز آب زلال و گوارا بود...

خدای آب را آفرید، آن را از علم و قدرت و اختیار بهره‌مند ساخت، به او تکلیف کرد. و در اثر تکلیف دو گونه آب پدید آمد: خدای تعالی به آن قسمت از آب که عصیان کرده عَرَض شوری و تلخی زده است. بر این اساس، سجین و علیین و طیب و خبیث پدید آمد. علّیین از آب عذب و فرات آفریده شده‌اند و سجیّن از آب شور و تلخ. تغییرات در آنها همه عَرَضی است و در اصل آب بودن با هم اشتراک دارند. مرحوم نمازی شاهرودی خلاصه‌ای از اخبار این باب را آورده و در این‌باره می‌نویسد:

یظهر من اخبار الطینة و المیثاق و أخبار عرض الولایة و أخبار بدء الخلق أنّه عرض

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.50.4.1]

الولاية على الماء، فما قبل صار عذبا فراتا و مالم يقبل صار ملحاً أجاجاً. فالأصل الماء والاختلاف بالعرض.

از اخبار طینت و میثاق و عرض ولایت و آغاز خلقت روشن می‌شود که خدای تعالی ولایت را بر آب عرضه کرد. پس آنچه پذیرفت گوارا و زلال شد و آنچه نپذیرفت شور و تلخ شد. پس اصل همه موجودات، آب است و اختلاف عرضی است.

در حدیثی از امام رضا علیه‌السلام در جواب سئوال‌هایی از صباح بن نصر هندی و عمران صابی در حضور مأمون آمده است‌که حضرت بیان می‌کند که اصل آب گوارا و زلال است. بعد از این صباح بن نصر هندی می‌پرسد:

فكيف منها عيون نفط و كبريت و قار و ملح و أشباه ذلك؟

قال: غيّره الجوهر وانقلبت كانقلاب العصير خمراً و كما انقلبت الخمر فصارت خُلّاً، و كما يخرج من بين فرث و دم لبناً خالصاً.

قال: فمن أين أخرجت أنواع الجواهر؟

قال: انقلبت منها كانقلاب النطفة علقة ثمّ مضغةً...

قال عمران: إذا كانت الأرض خلقت من الماء و الماء بارد رطب، فكيف صارت الأرض باردةً يابسة؟

قال: سلبت النداوة فصارت يابسة.

پس چگونه از آب زلال و گوارا چشمه‌های نفط و گوگرد و قیر و نمک و امثال آنها پدید آمد؟

فرمود: خدای تعالی جواهر را تغییر داد و منقلب شد، مانند منقلب شدن آب انگور به خمر و مانند انقلاب خمر به سرکه، و همان طور که از میان مدفوع و خون، شیری خالص بیرون می‌آید.

گفت: پس این همه انواع جواهر از کجا پدید آمد؟

فرمود: منقلب شد مانند انقلاب نطفه به علقه، سپس به گوشت کوبیده شده

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.50.4.1]

و...

عمران گفت: اگر زمین از آب آفریده شده است و آب، خنک و مرطوب است پس چگونه زمین خنک و خشک است؟

فرمود: رطوبت آب گرفته شد و خشک گردید.

در این حدیث شریف روشن گردیده است که خدای تعالی هیچ جوهر دیگری در کنار آب نیافریده است که مخلوقات با ترکیب چند جوهر و عنصر اصلی پدید آمده باشند؛ بلکه همه از یک جوهر واحد - با تغییراتی که در درون آن به وجود آورده است - پدید آمده‌اند. نیز اینکه همه اختلاف‌ها عرض است و قابل تبدیل شدن به هم هستند. پس خدای تعالی می‌تواند همه آنها را به هم تبدیل کند: هوا را سنگی سخت و آب را فولادی محکم و فولاد را آبی نرم و زلال کند. همچنین او می‌تواند در یک لحظه همه را به حالت اول - که همان آب تنها است- برگرداند.

۸. مشیت و تقدیر الهی عامل تعیین کننده امتیازات

روشن شد که خدای تعالی ابتدا آبی خلق کرد که همه اشیاء از او آفریده شده‌اند و آن از امور دیگری پدید نیامد و همه اشیا نسبتی به آن دارند و آن به هیچ چیزی نسبت ندارد. بعد خدای تعالی آن را امتحان کرد و با نخستین امتحان تغییری در آن صورت داد و آن را به دو قسم کرد: یک قسم شیرین و گوارا گردید و دیگر تلخ و شور. چند بار دیگر آنها را آزمود و تغییراتی در آنها پدید آورد. همه خوبی‌ها و پاکی‌ها، و زشتی‌ها و زیبایی‌ها، شیرینی‌ها و تلخی‌ها، کمال و نقصان‌ها، ضعف و قوت‌ها، شدّت و حدّت و تندی و نرمی و ملایمت و منافرت و شقاوت و خباثت و رأفت و رحمت و شفقت، همگی در سایه اطاعت‌ها و عصیان‌ها در موجودات پدید آمد و ایمان و کفر و نفاق و ضلالت و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.50.4.1]

گمراهی در مراتب مختلف در نتیجه امتحان و تکلیف پدید آمد.

امّا می‌دانیم که اختلاف موجودات منحصر در امور مزبور نمی‌شود، بلکه اختلافات دیگری نیز در اشیاء وجود دارند. از آن اشیاء سنگ‌ها هستند که خود آنها اقسام فراوانی دارند. برخی از سنگ‌ها قیمتی و ارزشمند هستند و برخی دیگر ارزشی ندارند. انواع مختلف حیوانات را داریم که به صورت‌های مختلف وجود دارند که از حدّ شمارش خارج‌اند و نیز گیاهان مختلف به صورت‌های مختلف وجود دارند که قابل شمارش نیستند. برخی از آنها میوه دارند و برخی میوه‌ای نمی‌دهند، برخی خیلی تنومند و بزرگ و برخی ضعیف و بی‌ثمرند. در میان آب‌های موجود نیز اختلاف بی‌شماری دیده می‌شود.

آیا می‌توان گفت انواع مختلف همه موجودات در سایه تکلیف و امتحان است؟ یعنی سنگ به صورت سنگ درآمده است و گوسفند به صورت گوسفند گردیده و انسان به همین هیکل خاص در آمده و آب به صورت مایع و روان گردیده، همه در اثر امتحان بوده و هست و خود همین شکل‌های مختلف حاکی از درجه و اعتبار او نزد خداوند متعال در تکلیف و امتحان بوده است. به عنوان مثال انسان – با این شکل و هیکل و با این همه کمالاتی که در این دنیا برایش وجود دارد که موجودات دیگر همه در تحت تسخیر او قرار گرفته‌اند– آیا در امتحان‌های پیشین و آغازین، از رتبه بالایی نسبت به سنگ و چوب و خاک و گیاه و حیوانات دیگر برخوردار گردیده است؟

آیا می‌توان این برتری ظاهری را یک برتری و فضیلت و کرامت برای نوع انسان شمرد که همه افراد انسان در واقع در امتحان‌های پیشین نمره قبولی گرفته و به واسطه آن به این فضیلت و برتری نائل گشته‌اند؟ شاید بتوان گفت که این برتری ظاهری امتحان دیگری برای فرزند آدم در این دنیاست که خدای تعالی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.50.4.1]

برای اتمام حجّت و قطع کردن هر گونه بهانه و عذر برای انسان انجام داده است تا در روز قیامت، هیچ گونه حجّتی برای او باقی نگذاشته باشد. پس این زیبایی و قامت راست و اندیشه و خرد و علم که به بشر داده است، هیچکدام از آنها را نمی‌توان تکریم او شمرد. روشن است که فضیلت و کرامت فقط در سایه تقوای الهی برای موجودات حاصل می‌شود. خدای تعالی می‌فرماید:

یا أیّها الناس إنا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا إنّ اکرمکم عندالله أتقاکم إن الله علیم خبیر.

ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را گروه‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. خداوند دانا و آگاه است.

امام باقر علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

فاتقوا الله و اعملوا لما عندالله، لیس بین الله و بین احد قرابة، أحبّ العباد إلی الله عزّ و جلّ أتقاهم و أعملهم بطاعته. یا جابر، و الله ما یتقرّب إلی الله تعالی إلا بالطاعة.

از خدا پروا کنید و برای آنچه نزد خداست عمل کنید. میان خدا و هیچ یک از خلق قرابتی وجود ندارد. محبوب‌ترین بندگان نزد خدای تعالی پرهیزکارترین و عامل‌ترین آنها به طاعت خداست. ای جابر! به خدا سوگند هیچ راهی برای تقرّب به خدای تعالی نیست مگر به پیروی از او.

علامه امینی درباره تفضیل انبیاء الهی بعضی بر بعضی دیگر و بر خلق می‌نویسد:

إنّ فضل الانبیاء و خلفاء الله تعالی علی سائر أفراد البشر و تفضیل بعضهم علی بعض و اختلاف مراتبهم فی منصب الولایة الالهیّة و أفضلیّة نبیّنا علی الکلّ و اصطفاء الله تعالی بعض عباده علی بعض و تخصیصهم بالتشریفات الخاصّة أمر یقتضیه أهلیّة کلّ واحد و استحقاقه المکتسب فی عالم الذّر.

فضل پیامبران و جانشینان الهی به دیگر افراد بشر و تفضیل بعضی از آنها بر بعضی دیگر و اختلاف مراتب آنها در منصب ولایت الهی و افضلیّت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.50.4.1]

پیامبر ما بر همه پیامبران و گزینش خدای تعالی بعضی از بندگانش را بر بعضی دیگر و اختصاص آنها به تشریفات خاص، همه به خاطر اهلیّت هر یک از آنها و استحقاقشان است که در عالم ذرّ کسب کرده‌اند.

پس اگر انسان‌ها در میان خود برخی بر دیگری فضیلتی و قربی به خدای تعالی پیدا می‌کنند، همه آنها نتیجه عبودیت و بندگی و فرمانبری آنها از خدای تعالی است. و اگر در عالم ذرّ یا هر عالمی دیگر آنها فضیلتی داشته‌اند، آن نیز مربوط به اطاعت و بندگی پیشین آنها بوده است.

پس معیار فضیلت و برتری، انسان و سنگ و چوب و گل و آتش و آب و گاو و گوسفند و آهن و نقره و طلا و عقیق و زمرد و فیروزه بودن نیست، بلکه در میان همه این موجودات مختلف تنها معیار فضیلت قرب خدا و عبودیت بندگی است. ممکن است انسانی در عبودیت و بندگی به درجه بالایی دست یابد و در نتیجه از سوی خدای تعالی با ولایت و خلافت الهی مورد، تکریم قرار گیرد و عنایت خاص الهی شامل حال او شود و از تشریفات ویژه پروردگار متعال بهره‌مند گردد. همچنین ممکن است در میان موجودات دیگر نیز افرادی پیدا شوند که در عبودیت پروردگار متعال پیش قدم شوند و نزد خدای تعالی گرامی باشند؛ اگر چه به صورت الاغ یا مورچه یا شتر یا درختی بیش نباشند، امّا در این جهت بر خیلی از افراد انسان مقدّم گردند و به مقامی برسند که خیلی از انسان‌ها به آن نایل نیایند.

علامه امینی با وجود اینکه معیار تفاضل را عبودیت و اطاعت و تقوا دانسته، ولی درباره نوع انسان می‌نویسد:

إنّ الله تبارك و تعالی اختار بنی آدم و أکرمهم علی غیرهم بالصور الحسنة و الهیئات الجمیلة و النعم الخاصّة و فضّلهم علی سائر بریّته، بتسلطیهم علی غیرهم و تسخیرها فی السماوات و الارض لهم و بعث الرسل الیهم و جعلهم حاکماً علی کثیر ممّن خلق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.50.4.1]

خداوند متعال فرزندان آدم را برگزید و آنها را بر سایر خلق خویش گرامی داشت بدین صورت که آنها را صورتی نیکو و هیأتی زیبا و نعمت‌های خاص داد و آنها را بر سایر خلق خویش با مسلط کردن بر آنها و حاکم نمودن بر عده زیادی از آنها فضیلت داد.

روشن است که تسلط داشتن بر خلق و برخورداری از توانایی بیشتر، دلیل بر فضیلت محسوب نمی‌شود. کسانی هستند که از قدرت جسمی بیشتری برخوردارند یا دانش فراوانی یاد گرفته‌اند و یا از فنون فراوانی برخوردارند و هیچگاه از آنها در سیر عبودیت و بندگی استفاده نمی‌کنند بلکه برای فساد در زمین و جلوگیری از بندگی خدا در روی زمین از آن استفاده می‌کنند. اگر چنین می‌بود، این گونه اشخاص باید بر دیگران برتری داشته باشند. پس همه توانایی‌ها و دانش‌ها و تسلط و حاکمیت داشتن‌ها در صورتی فضیلت محسوب می‌شود که در راه عبودیت صرف شوند. امّا اگر همه آنها در استکبار و علوّ و فساد بر روی زمین به کار گرفته شوند، نه تنها فضیلت محسوب نمی‌شوند، بلکه عامل انحطاط و زبونی خواهند بود. خدای تعالی می‌فرماید:

مثل الذین حمِّلوا التوراة ثمّ لم یحملوها کَمَثل الحمار یحمل اسفاراً بئس مثل القوم الّذین کذّبوا بآیات الله و الله لایهدی القوم الظالمین.

مثل کسانی که حامل علوم تورات شده‌اند، سپس آن را تحمّل نکرده‌اند، مانند الاغی است که کتاب‌هایی را حمل می‌کند. مثل قومی که آیات خدا را تکذیب می‌کنند، بد است. و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند.

خداوند متعال در این آیه شریفه معیار خیلی مهمی را برای ما انسان‌ها مطرح می‌کند و آن این که انسان تا وقتی که به دانش خویش عامل نباشد و بدان پایبند نگردد، با حیوانی که کتاب‌های علمی را حمل می‌کند، تفاوتی نخواهد داشت و فضیلتی بر آن نخواهد داشت.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.50.4.1]

أم تحسب أنّ اکثرهم یسمعون أو یعقلون إن هم الا کالأنعام بل هم أضلّ سبیلا.

یا می‌پنداری بیشتر آنان می‌شنوند و اندیشه می‌کنند؟ آنان مانند چاریان هستند بلکه گمراه‌ترند.

و مثل الذین کفروا کمثل الّذی ینعق بما لایسمع إلا دعاء و نداءً صمّ بکم عمی فهم لایعقلون.

مثل کافران مانند کسی است که صدا می‌زند چیزی را که جز خواندن و صدا کردن چیزی نمی‌شنوند. کر و کور و لال‌اند، پس آنها خرد نمی‌ورزند.

در این آیات دربارهٔ افرادی سخن می‌گوید که به صورت انسان‌اند و باید خرد و اندیشه ورزند، حق را پیروی کنند و از باطل دوری جویند؛ امّا با وجود این به باطل پرداخته و به حق پشت نموده و بیراهه می‌روند. اینان را به مانند حیوان‌هایی قرار داده که از حق و باطل آگاهی ندارند و از سخن اشخاص جز صدایی متوجّه نمی‌شوند، بلکه انسان از آنها گمراه‌تر شمرده شده است. این دلالت می‌کند که تنها چیزی که می‌توان معیار فضیلت و برتری دانست، فهمیدن حق و پیروی کردن از آن و دوری جستن از باطل است. و ارزش انسان آن است که بتواند به آن مقام دست یابد.

از آنچه ذکر شد، نتیجه گرفته می‌شود که اختلاف انواع موجودات در بهره‌مندی از کمالات، یا به جهت تکریم است و یا به جهت اتمام حجت و استدراج و امتحان. امتیازات و اختلافات میان اشیاء و در درجات بی‌شمار، همه به مشیت و تقدیر الهی است، که در جهت تکریم یا اتمام حجت و استدراج و امتحان صورت گرفته است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.50.4.1]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.50.4.1]

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه.

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، *النهایة في غریب الحدیث والاثر*، تحقیق محمود محمد الطناحی و طاهر احمد الزاوی، موسسهٔ اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۷هـ‌ش..

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۸ ق.

۳. ابن‌اسحاق، محمّد، *السیر و المغازی*. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۱۰ ق.

۴. اصفهانی، میرزا مهدی، *الطبیعیات*، نسخه صدرزاده، خطی.

۵. _____، *تقریرات المعارف*، مناصب النبی، خطی مقرّر حاج شیخ محمود حلبی..

۶. _____، *معارف القرآن*، تایپی به تحقیق مهدی خاتمی.

۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، تحقیق احمد بن عبدالفور عطار، مصر، دراالکتب العربی.

۸. داماد، میر محمد باقر، *مصنفات میرداماد*، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، نوبت اول، ۱۳۸۱.

۹. سبزواری، ملا هادی، *شرح الاسماء*، تحقیق نجفقلی حبیبی، تهران،دانشگاه تهران..

۱۰. _____، *رسائل حکیم سبزواری*، تعلیق و تصحیح و مقدمه: سید جلال الدین آشتیانی قم، انتشارات اسوه. چاپ سوم، پاییز ۱۳۸۸.

۱۱. صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم، *تفسیر قرآن کریم*، تصحیح محمد خواجویی، انتشارات بیدار، قم – ۱۳۶۴ هـ‌ش.

۱۲. صدوق، محمدبن علی، *التوحید*، تحقیق سید هاشم حسینی طهرانی، منشورات جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیة فی قم المقدسه، بی تا.

۱۳. _____، ۱۳۶۳، *معانی الاخبار*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیة.

۱۴. _____، *علل الشرایع*، تحقیق سیدمحمدصادق‌بحرالعلوم، منشورات المکتبه الحیدریه و مطبعتها، النجف الأشرف، ۱۳۸۵ هـ ق.

۱۵. _____، *الخصال*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جماعة المدرسین في الحوزة العلمیة، ۱۴۰۳ ق.

۱۶. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد حبیب قصیری العاملی، مکتبة الإعلام.

۱۷. عیاشی، محمدبن مسعود، *تفسیرالعیاشی*، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، المکتبة العلمیه الاسلامیه، تهران، بی‌تا.

۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۱۹. فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر*، موسسه دارالهجرة، قم، ۱۴۰۵ه. ق.
۲۰. قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم، *تفسیر قمی*، موسسه دار الکتاب، ۱۴۰۴ه.ق، قم.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، بیروت، دار صعب و دار التعارف، ۱۴۰۱ هـق..
۲۲. مازندرانی، ملاصالح، بی‌تا، *شرح اصول کافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، مکتبة الاسلامیة.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، *بحارالانوار*، دارالکتب الاسلامیّة، قم، ۱۳۶۳هـش..
۲۴. نمازی شاهرودی، علی، ۱۴۱۸، *مستدرک سفینةالبحار*، قم، موسسهٔ النشر اسلامی.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.50.4.1]